

روایت جدید از ادامه جنگ پس از آزادی خرمشهر

جنگ چگونه ادامه یافت؟

سید حسن خمینی: نامه مفصل منتشر نشده‌ای از مرحوم سید احمد خمینی به امام وجود دارد که ایشان به طور مستدل تحلیل کرده‌اند جنگ بعد از فتح خرمشهر باید متوقف شود

محمدحسن نجمی

اتفاقات پس از سوم خرداد 1361، همچنان می‌تواند دارای اهمیت و واکنش‌برانگیز باشد؛ اتفاقاتی که بعد از بازگشت خرمشهر به خاک ایران رخ داد و منجر به تصمیماتی شد که نتیجه آن تلاش ایران برای عبور از مرز و زیر فشار گذاشتن عراق بود.

در جدیدترین اظهار نظر «سید حسن خمینی» در فیلم مستند «احمد» که درباره زندگینامه پدرش «سید احمد خمینی» است، گفته «نامه مفصل منتشر نشده‌ای از مرحوم سید احمد خمینی به امام وجود دارد که ایشان به طور مستدل و مفصل تحلیل کرده‌اند جنگ بعد از فتح خرمشهر باید متوقف شود و در این نامه نوشته‌اند که چه کسانی موافق تداوم جنگ و چه کسانی موافق توقف جنگ هستند.» او البته اضافه کرده که «این سند هنوز منتشر نشده است»؛ مانند صدها سندی که درباره جنگ وجود دارد و امکان دسترسی به آنها نیست تا جعبه سیاه 8 سال جنگ باز شود.

البته چند ماه پیش هم يك دست‌نوشته از بنیانگذار انقلاب منتشر شد که حاوی پیامی به مناسبت فتح خرمشهر بود. در آن دست‌نوشته خطاب به «حکومت‌های همجوار و منطقه» آمده «آنان می‌دانند امروز با فتح خرمشهر مظلوم جنگ خاتمه یافته است و دولت و ملت پیروزمند از موضع قدرت سخن می‌گویند»؛ البته که در نسخه دیگری که نسخه نهایی است، «جنگ خاتمه یافته است» حذف شده و پیام منتشره بدون این بخش از رادیو و تلویزیون پخش شد.

روایات درباره تحولات رخ داده پس از فتح خرمشهر که بعضا سمت و سوی خاتمه جنگ داشت، متفاوت است.

شرایط بعد از فتح خرمشهر

پس از آنکه ایران توانست طی عملیات «الی بیت المقدس»، خرمشهر را به ایران بازگرداند، تلاش‌های دیپلماتیک در سطح منطقه و جهان برای پایان دادن به جنگ آغاز شد. با این پیروزی، بخش اعظمی از سرزمین‌های اشغالی توسط عراق، پس گرفته شد و عملاً ایران دست بالای نظامی را پیدا کرد. در بُعد دیگر، روحیه عمومی و نیروهای ایرانی به شکل عجیبی تقویت شد و در مقابل حکومت عراق با استفاده از پروپاگانداي رسانه‌ای سعی در حفظ روحیه عمومی داشت تا اثرات این شکست را کمرنگ کند.

اما در ایران بحث داغی میان شخصیت‌های سیاسی و نظامی برقرار بود؛ يك تفکر اعتقاد داشت که برای ادامه دست برتر نظامی و اعمال فشار بر عراق برای پایان دادن به جنگ، ایران باید از مرزهای بین‌المللی عبور کند و وارد خاک عراق شود؛ طرف دیگر معتقد بود که باید از این فرصت استفاده کرد اما در عین حال نیروهای ایرانی پشت مرزهای بین‌المللی بایستند و وارد خاک عراق نشوند. همین دو نظر موجود، همچنان محل مناقشه است و برخی می‌گویند اگر آن زمان ایران وارد فاز تهاجمی نمی‌شد و از مرزهای بین‌المللی عبور نمی‌کرد، جنگ می‌توانست در همان حوالی زمانی خاتمه یابد؛ برخی دیگر نیز تاکید دارند که به سبب حضور عراق در بخش‌هایی از خاک ایران نمی‌شد به چنین شرایطی اطمینان کرد.

پیش از این هم «سید احمد خمینی» درباره نظرات بنیانگذار انقلاب، پیرامون ادامه جنگ پس از آزادی خرمشهر اظهاراتی داشته است؛ او در گفت‌وگویی که فروردین 1374، روزنامه جمهوری اسلامی منتشر کرده، دقایقی را روایت کرده که بنیانگذار انقلاب خبر آزادی خرمشهر را از رادیو شنید؛ «با شنیدن صدای گوینده، من به امام نگاه کردم و متوجه شدم که احساس خوبی به ایشان دست داد. البته در مجموع امام از مسائلی که خیلی تلخ بود اوقات‌شان زیاد تلخ نمی‌شد و از مسائلی هم که شیرین بود خیلی خوشحال نمی‌شدند و در مقابل مسائل خرمشهر امام معتقد بودند که بهتر است جنگ تمام شود، اما بالاخره مسوولان جنگ گفتند که ما باید تا کنار شطالعرب (اروند رود) برویم تا بتوانیم غرامت خودمان را از عراق بگیریم.» او همچنین تاکید کرده که «امام اصلاً با این کار موافق نبودند و می‌گفتند اگر بناست شما

جنگ را ادامه بدهید، بدانید اگر این جنگ با این وضعی که شما دارید، ادامه یابد و شما موفق نشوید، دیگر این جنگ تمام شدنی نیست و ما باید این جنگ را تا نقطه‌ای خاص ادامه بدهیم و الان هم که قضیه فتح خرمشهر پیش آمده، بهترین موقع برای پایان جنگ است.»

گروگان از عراق

پس از آزادی خرمشهر جلسات متعددی میان فرماندهان ارشد نظامی و سران نظام برقرار شد؛ آنها در این جلسات استراتژی‌های متفاوتی را مطرح و درباره آن تبادل نظر می‌کردند. نهایتاً آن استراتژی که ایران به آن رسید، ورود به خاک عراق برای دستیابی به دست برتر در تصرفات زمینی بود یا آن‌طور که هاشمی رفسنجانی توصیف کرده، «گروگانی از عراق داشته باشیم تا با اتکالی به آن بتوانیم حقوق ایران را بگیریم.» ایران آن زمان شروطی برای آتش‌بس داشت که مهم‌ترین آنها، پرداخت غرامت و معرفی عراق به عنوان متجاوز بود.

روایت کامل هاشمی رفسنجانی

اما روایت هاشمی رفسنجانی در مصاحبه وبسایت شخصی خود که سال 1393 انجام داد، روایتی کامل از روند آنچه منجر به ادامه جنگ و عملیات رمضان در تیر ماه 1361 ارایه کرده است.

او به جلسه شورای عالی دفاع چند روز پس از آزادی خرمشهر اشاره کرده و گفته «فرماندهان ارتش و سپاه چند روز پس از فتح خرمشهر در جلسه‌ای که به عنوان جلسه شورای عالی دفاع بود، خدمت امام رسیده بودند. من و آیت‌الله خامنه‌ای هم بودیم. آن موقع من سخنگوی شورای عالی دفاع بودم. خرمشهر فتح شده بود و نیروهای ما خیلی شاداب بودند. نیروهای زیادی هم عازم جبهه‌ها می‌شدند. عراقی‌ها هم خیلی سرخورده بودند. طبیعی این بود که در تعقیب نیروهای فرار کرده بعثی وارد خاک عراق شده و آنها را در خاک خودشان منهدم کنیم. جلسه هم برای این تشکیل شده بود که چه کار کنیم؟»

هاشمی رفسنجانی به موضع ابتدایی بنیانگذار انقلاب اشاره کرده و افزوده «امام در قدم اول هم با ورود به خاک عراق مخالفت کردند و هم با ختم جنگ، چون برای نظامی‌ها يك مشکلی پیش آمده بود و با منطق آنها سازگار نبود. آنها می‌گفتند که اگر عراق بفهمد ما پشت مرز می‌ایستیم و داخل خاک نمی‌شویم با خیال راحت قوای خود را بازسازی می‌کند. به علاوه مقدار زیادی هم از ارتفاعات سرشکن ما را غرب در اختیار دارد و ممکن است بار دیگر با تجربه بیشتر و حمایت

دیگران به شکل دیگری حمله‌اش را آغاز کند.»

او افزوده که «انصافا امام کارشناسانه حرف زدند و گفتند: اینکه ما دشمن منهزم را تعقیب نکنیم و به آنها فرصت تجدید قوا بدهیم، با منطق نظامی نمی‌خواند. اگر ما بخواهیم جنگ را ادامه دهیم، نمی‌توانیم بگوییم که ما تا مرز می‌آییم. بعد از این دیگر دشمن چه مشکلی دارد؟ امام هم با آن روحیه‌ای که داشتند، در مقابل منطق خاضع بودند و با همه قاطعیتی که داشتند، منطق اینها را پذیرفتند و گفتند که راه دیگری انتخاب کنید.»

در ادامه این روایت، هاشمی به دلایل گفته شده از سوی بنیانگذار انقلاب برای عدم ورود به خاک عراق پرداخته است: «چند دلیل آوردند که نباید وارد خاک عراق شویم که قبلا هم گفته بودند. یکی این بود که با ورود ما به خاک عراق، مردم عراق هم آن‌گونه که الان روحیه آنها با ماست، (چون مردم عراق در جنگ بیشتر طرفدار ما بودند و علاقه‌ای به صدام نداشتند) آن موقع حس وطن‌خواهی آنها باعث می‌شود پشت سر دولت و ارتش عراق بایستند، دوم اینکه دنیای عرب هم احساس خطر می‌کند و روحیه ناسیونالیسم عربی گل می‌کند و برای عراق نیروی زیادی می‌گذارند، سوم هم اینکه جهان حاضر نیست این‌گونه ببیند که ما عراق را تصرف کردیم. همه اینها باعث می‌شود که کار ما در جنگ مشکل شود. بعد هم یک دلیل انسانی و دینی را اضافه کردند و گفتند که مردم عراق دوستان ما هستند و ما در آینده با مردم عراق باید کار کنیم و آنها هم به ما تکیه خواهند کرد. ما نباید به مردم عراق صدمه بزنیم؛ چراکه یکی از اهداف ما در ادامه نجات مردم عراق از دست بعثیان خون‌آشام بود. تا حالا آنها به کشور ما آمده بودند و ما با آنها به عنوان متجاوزین می‌جنگیدیم. وقتی که به آنجا رفتیم مردم آسیب می‌بینند.»

نتیجه جلسه

«با پیشنهاد امام، راه‌حلی انتخاب شد و دیگران هم قبول کردند و آن این بود که اگر می‌خواهید وارد خاک عراق شوید و ضرورت دارد وارد شویم در جایی وارد شویم که مردم نباشند یا خیلی کم باشند. شما چنین جایی را پیدا کنید و وارد خاک عراق شوید تا هم قدرت‌تان را نشان بدهید و هم خاطر دشمن راحت نشود. این استراتژی شد که امام به ما دادند. در آن جلسه من و آیت‌الله خامنه‌ای بحثی نکردیم، چون ما نظامی نبودیم، آنها بحث می‌کردند. با این جمع‌بندی از خدمت امام بیرون آمدیم؛ روایت هاشمی رفسنجانی در این مورد را تقریبا همه

افراد حاضر در جلسه تایید می‌کنند.

امام نگفتند جنگ را تمام کنید

آیت‌الله خامنه‌ای که آن زمان ریاست‌جمهوری را برعهده داشت، سال 1375 در یکی از سخنرانی‌های خود گفته بود «خدا می‌داند که اگر در جنگ، فرد محکمی به استقامت امام نبود، حداقل یکی، دو استان این مملکت رفته بود. این تو بمیری، از آن تو بمیری‌های قدیم نبود. این، چیز خیلی خطرناکی بود. حالا بر می‌دارند می‌نویسند که امام بعد از فتح خرمشهر گفتند: جنگ، تعطیل! غلط‌های بی‌خودی، حرف‌های دروغ، تهمت‌های بی‌وجه! ما در آنجا، خودمان حاضر و ناظر بودیم. در این سال‌های متمادی، کسی هم از ما دروغ نشنیده است. آدم‌هایی که نبودند یا همان وقت هم مطرود امام بودند، حالا حرف می‌زنند و چیزهایی را بی‌خودی به امام نسبت می‌دهند.» آیت‌الله خامنه‌ای در ادامه تاکید کرده «بعد از فتح خرمشهر، امام فرمودند که لب تمام طول مرزها بایستید و يك صف دفاعی تشکیل دهید و داخل مرزها نروید. نگفتند جنگ را تمام کنید. گفتند: با حالت تدافعی مطلق، لب مرزها بایستید. نیروهای نظامی، وقتی که هنوز اعلام صلح و آتش‌بس نشده بود، رفتند گفتند: نمی‌شود لب مرز ایستاد. طرف مقابل، هنوز ادعای جنگیدن با ما دارد. لب مرز ایستادن، نیروهای ما را هضم خواهد کرد و از بین خواهد برد. ما مجبوریم تحرك داشته باشیم. این مطلب را نظامی‌ها به امام گفتند؛ ما هم نگفتیم. نظامی‌های متخصص خبره، پیش امام آمدند و جلوي ما، به ایشان گفتند این‌طوری است و نمی‌شود. امام فرمودند: خیلی خوب؛ حالا که این‌طور است، پس لب مرز بایستید و حملات محدود کنید. رفتند در قرارگاه نشستند، استراتژی بسیار خوب و موفقی برای حمله‌های حول و حوش مرز ریختند و دیگر به اعماق نمرفتند.»

نمی‌خواستیم خاک عراق را ضمیمه خودمان کنیم

علی‌اکبر ولایتی، وزیر امور خارجه وقت و عضو شورای عالی دفاع نیز از مدافعان ورود به خاک عراق پس از آزادی خرمشهر بود؛ در کتاب «اسرار مکتوم» از ولایتی سوالی شده مبنی بر اینکه «برخی منتقدین می‌گویند در آن مقطع (پس از فتح خرمشهر)، خصوصاً نظامی‌ها، امام را مجبور کردند و در شرایطی قرار دادند که ایشان مجبور شدند ادامه جنگ را بپذیرند، آیا صحیح است؟» ولایتی هم پاسخ داده «دریافت من این است که امام از اول مخالف ورود به خاک عراق بودند و این درست است، ولی بعد، استدلال‌هایی شد و این‌طور نبود که این استدلال‌ها را

تنها نظامی‌ها کرده باشند. همه کسانی که مشورت‌ها را می‌دادند، اعم از نظامی، سیاسی و غیره، نظرشان این بود که نمی‌شود بخشی از خاک ما اشغال باشد و ما در آنجا برای خودمان خط قرمز داشته باشیم و وارد نشویم.» او همچنین استراتژی ایران را «دفاعی» توصیف کرده و گفته «استراتژی ما واقعا دفاعی بود، یعنی غرضی نبود که ما برویم خاک عراق را بگیریم و ضمیمه خودمان بکنیم. چنین چیزی نه در سیاست‌های ما بود و نه تاریخ جنگ این را نشان می‌دهد.»

رفتن به داخل اعماق خاک برای گوشمالی دادن

این موضوع را آیت‌الله خامنه‌ای در کشاکش جنگ نیز گفته بود: «تا وقتی که در پشت مرزهای خودمان می‌جنگیدیم که روشن بود داشتیم دفاع می‌کردیم از خاک خودمان. آن وقتی هم که وارد خاک عراق شدیم، باز به دنبال همین مساله است. ما مجازات متجاوز و گوشمال دادن به متجاوز را یکی از هدف‌های ادامه جنگ ذکر کردیم و همین هم هست. البته این را هم باید بگویم که هنوز در مرزهای ما، همه مناطق از دشمن پاکسازی نشده است. ما هنوز مناطقی را داریم که از جمله نفت‌شهر و بخشی از مراکز دیگر مرزی ما که هنوز در اختیار دشمن است و ما ادامه جنگمان ولو برای پس گرفتن اینها هم که باشد، یک عمل دفاعی است. اما وقتی اینها را هم پس بگیریم، ما دنبال کردن دشمن و رفتن داخل اعماق خاک او برای گوشمال دادن او، این را همه، دفاع از خود و مجازات متجاوز می‌شناسند، بنابراین دفاعی بودن این جنگ یک چیز واضحی است!»؛ آیت‌الله خامنه‌ای این سخنان را شهریور ماه 1365 در گفت‌وگو با صدا و سیماي جمهوری اسلامی بیان کرده بود.

باید موازنه باشد

یکی از کسانی که در میان نظامی‌ها بر ورود به خاک عراق تاکید داشت، محسن رضایی فرمانده کل وقت سپاه پاسداران بود. او درباره سخنان خود در آن جلسه شورای عالی دفاع پس از تایید سخنان تیمسار ظهیرنژاد فرمانده وقت ارتش، گفته بود «در خرمشهر و آبادان که الان هستیم مرز بین‌المللی از 500 متری خرمشهر و آبادان عبور می‌کند. اگر در چنین شرایطی ما آتش‌بس بدهیم آنها با یک خمپاره 60 هم می‌توانند از آن طرف رودخانه وسط شهر آبادان را بزنند و پالایشگاه را به آتش بکشند یا بزنند وسط خرمشهر، اما اگر برویم پشت نیمه دوم اروندرود یا همان شط‌العرب، در فاصله 500 متری بصره خواهیم بود و یک موازنه مقابله به مثل پیدا می‌کنیم. در این صورت، ارتش عراق اگر بخواهد به خرمشهر و آبادان تیراندازی کند ما هم متقابلا

می‌توانیم روی بصره فشار بیاوریم.»

بی‌تجربه بودیم از مرز عبور کردیم

اما سخنان سه دهه بعد محسن رضایی در یک برنامه تلویزیونی، سخنانی متفاوت از آن سخنانش است؛ «در دفاع مقدس بعد از آزادی خرمشهر می‌توانستیم وقفه 6-7 ماهه بدهیم و وارد خاک عراق نشویم. اعلام هم می‌کردیم که اگر دولت عراق خواسته‌های ما را عمل نکند ما وارد عراق می‌شویم. حتماً او به ما پاسخ نمی‌داد، اما خود ما بدون اینکه چنین سند تاریخی ایجاد کنیم، سرمان را انداختیم پایین و از مرز عبور کردیم. شاید از بی‌تجربه بودن ما بود.»

او که مهر ماه 1395 در برنامه تلویزیونی شبکه خبر حضور یافته بود، تأکید کرد که «اگر دوباره آن فرصت تکرار می‌شد حتماً در سر مرز جنگ را متوقف می‌کردیم و خواسته‌های خودمان را در مورد قرارداد الجزایر و خسارات‌مان مطرح می‌کردیم. این شاید تاثیری از نظر عملی نداشت اما از نظر سیاسی و سندی به درد امروز ما می‌خورد یا در بحث‌های فرماندهان و دوستان سیاسی شاید بهتر می‌توانستیم یکدیگر را قانع کنیم.»

البته او در عین حال از تصمیم اجرا شده دفاع می‌کند: «مساله این شد که وارد خاک عراق بشویم یا نشویم؟ بعضی می‌گفتند چرا جنگ بعد از آزادسازی خرمشهر ادامه پیدا کرد. اینجا بحث‌هایی صورت گرفت. ما دیدیم که اگر سر مرز بمانیم و آتش‌بس را بپذیریم ممکن است چند وقت بعد آتش‌بس خنثی شود و هر سه، چهار سال این مساله تکرار شود و این‌طوری معلوم نبود جنگ کی تمام شود. گفتیم ما که می‌خواهیم ده‌ها لشکر سر مرز بگذاریم برای حفظ آتش‌بس. عبور می‌کنیم از مرز و پشت ارونند می‌ایستیم که با یک نیروی کمی در دوران آتش‌بس، هزینه‌های سنگینی را 40-50 سال به ملت‌مان تحمیل نکنیم.»

البته که پس از سر و صدای زیادی که این سخنان رضایی در آنتن زنده تلویزیون به پا کرد، دفتر او در توضیحاتی اعلام کرد: «برخی، «وقفه شش ماهه» در جنگ پس از آزادی خرمشهر و اتمام حجت با دشمن را به «توقف در جنگ» و «عدم ورود به خاک عراق» تفسیر کرده‌اند، درحالی که نظر دکتر رضایی که در مصاحبه مطرح شده این است که: اگر یک وقفه شش ماهه در جنگ می‌دادیم و بعد از عدم پذیرش شرایط ایران از سوی عراق (که قطعاً عراق تمکین نمی‌کرد) وارد خاک عراق می‌شدیم بهتر بود. بدیهی است هر برداشت و تفسیری غیر از این، نادرست می‌باشد.»

تأثيرات حمله اسراييل به لبنان

تصميم در ايران اتخاذ شده بود و فرماندهان نظامي در حال تدارك براي يك عمليات بزرگ بودند. اما براي بررسي شرايط آن زمان، بايد حمله اسراييل به جنوب لبنان را حتما در معادلات در نظر داشت. به فاصله چند روز از در دست گرفتن كنترل خرمشهر از سوي نيروهاي ايراني، اسراييل حملاتي را به جنوب لبنان ترتيب داد و وارد خاك لبنان شد و عملا بخشهايي از جنوب اين کشور را اشغال و تصرف كرد.

اين امر باعث شد تا در ايران انقلابي آن زمان، بسياري از رزمندگان خواستار اعزام به لبنان شوند تا به مبارزه با اسراييل پردازند. اين درحالي بود كه ايران همچنان درگير يك جنگ تمام عيار و وسيع بود. نظر غالب در ميان چهرههاي حاكميت، اين بود كه حمله اسراييل براي انحراف تصميم گيران ايراني از مساله جنگ جاري بوده تا از اين طريق كمكي به صدام و عراق كرده باشد.

همزمان عراق هم به صورت يکطرفه مدعي جاري كردن آتشبس شد و اعلام كرد كه قصد دارد تا نيروهاي خود را از مناطق اشغالي خاك ايران خارج كند. ارتباط بين اين دو موضوع را ميتوان در خاطرات روز 20 خرداد 1361 اكبر هاشمي رفسنجاني يافت: «نيمه شب جانشين فرمانده نيروي زميني زنگ زد و اطلاع داد كه عراق يکطرفه آتشبس اعلام کرده است. امروز در خبرها آمد كه عراق اعلام کرده، حاضر است تا دو هفته ديگر نيروهايش را خارج كند و قضيه را به ميانجيهاي صلح واگذار كند. احتمالا اين حيله‌اي براي نجات صدام و بهره برداري از تجاوز اسراييل به لبنان است و همين هم جزو اهداف امريكا و اسراييل بوده است.»

«راه قدس از كربلا ميگذرد»

امام خميني در آخرين روزهاي بهار 1361، در ديداري با «ائمه جماعات و وعاظ تهران و قم» ضمن مخالفت با اعزام نيرو به لبنان گفت كه «نباید كاري بكنيم كه نتوانيم هم لبنان را و هم ايران را نجات بدهيم، از اين كار اجتناب كنيم.» بنيانگذار انقلاب تاكيد كرد كه «ما راه مان اين است كه بايد از راه شكست عراق دنبال لبنان برويم، نه مستقلا. ما ميخواهيم كه قدس را نجات بدهيم، لكن بدون نجات کشور عراق از اين حزب منحوس نمي توانيم. ما لبنان را از خود مي دانيم، لكن مقدمه اينكه لبنان را ما نجات بدهيم اين است كه عراق را نجات بدهيم. ما مقدمه را رها نكنيم و بربط برويم سراغ

ذی‌المقدمه و همه چیز خودمان را صرف کنیم در آن و عراق برای خودش محکم کند جای خودش را.» به عبارت دیگر این سخنرانی، آغازگر استراتژی «راه قدس از کربلا می‌گذرد» بود.

اضافه شدن يك شرط به شروط ايران

اما ایران که شروطی برای پذیرش این آتش‌بس ارائه کرده بود، روز 23 خرداد ماه، يك شرط جدید به آن اضافه کرد. اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی در نطق پیش از دستور خود این شرط جدید را که به تصویب شورای عالی دفاع رسیده بود، بیان کرد: «نمایندگان محترم می‌دانند که شورای عالی دفاع تصمیم گرفت که يك شرط به شرایط آتش‌بس، یا صلح اضافه بکند و آن این است که راهی از خاک عراق در اختیار جمهوری اسلامی برای انتقال نیروهای رزمنده به قدس باید داده شود. متأسفانه بعث علفی عراق با فرصت‌طلبی با این پیشنهاد سازنده برخورد کرد و در دنیا اعلان کرد که ما این راه را می‌دهیم به شرط اینکه ایران آتش‌بس را قبول کند، چون در غیر شرایط آتش‌بس، نمی‌شود راهی در اختیار کشور متخاصم گذاشت.» او افزود که «این فرصت‌طلبی برای تحمیل مطلبی که ما بیش از 20 ماه است داریم روی آن مقاومت می‌کنیم برای ما غیرقابل قبول است. ما راه را می‌خواهیم برای دفاع از اسلام، برای دفاع از مسلمین، برای جنگ و جهاد با متجاوز صهیونیسم، عراق می‌خواهد از ما باج بگیرد و حزب بعث در حال سقوط را از سقوط نجات بدهد و حقوق ملت ما را که با نثار خون در معرض تامین آن قرار گرفتیم از ما دریغ بکند.»

چون می‌خواهیم برویم فلسطین

همه اینها هیچ؟!!

هاشمی رفسنجانی يك روز بعد از اعلام این شرط از تریبون مجلس، در جمع فرماندهان نظامی شیراز، به سخنرانی پرداخت. او در واکنش به بازخورد شرط شورای عالی دفاع از سوی عراق، گفت: «شما دیدید، در اظهارات‌مان بعد از جلسه شورای عالی دفاع، گفتم که می‌خواهیم برای جنگ به فلسطین برویم، اما راه ندادند، در شرایط‌مان گنجاندیم که از عراق راه می‌گیریم و این کسانی که يك ذره احساس عربی هم ندارند، به جای اینکه بیایند از این پیشنهاد مثبت ما استفاده کنند، آمده‌اند قضیه را معکوس کنند یا بعضی این‌جور فرض کردند که ایران الان به راه نیاز دارد، بیایید از این راهی که این احتیاج دارد، يك فشار به ایران بیاوریم و بگوییم که بیایید و با ما صلح

کنید؛ بیاید تمام زحماتان را ندیده بگیرید و بیاید به ما يك باج بدهید تا ما به شما راه بدهیم، اینجوری قضیه را منعکس کردند و گفتند که بله، ایران از ما راه خواسته، ما حرفی نداریم، ولی اول بیاید آتش‌بس را بپذیرند و بعد ما به آنها راه بدهیم.»

هاشمی رفسنجانی افزود که «ما در همان اظهاراتمان گفتیم الان حضور اصلی در این منطقه که مربوط به خودمان میشود، جنگ 20 ماهه است که تا این را از بین نبریم و تا حق را آنجا به دست نیاوریم و تا حقوق مردم را نگیریم و تا دست ظالم را نشکنیم و تا ظالم را تنبیه نکنیم و تا به دنیا الگو نشان ندهیم که شیوه جنگیدن این است و راه برخورد با متجاوز این است و تا این کار را نکنیم، ما در اسراییل چگونه میتوانیم بجنگیم؟ و اگر امروز دنیا روی ارتش ایران و روی سپاه پاسداران و روی ملت ایران حساب میکند، به دلیل این مقاومت‌هایشان بوده است. اینها همین‌جا از ما میخواهند که تنبیه را به دست عده‌ای بدهیم و به خاطر گرفتن يك امتیاز همه گذشته‌ها را فراموش کنیم و بگوییم چشم!»

سخنگوی شورای عالی دفاع در ادامه خطاب به حکومت عراق گفت که «این همه از ما کشتید و این همه از ما خراب کردید و این همه شهرهای ما را کوبیدید و این همه تلفات به وجود آوردید و این همه خرج درست کردید و این همه در منطقه شرارت کردید و این همه دو ارتش مسلمان را از بین بردید، اینها هیچ، چون میخواهیم برویم به فلسطین؟»

عملیات ناکام رمضان

موافقت بنیانگذار انقلاب با نظرات نظامیان در ارتباط با لزوم عبور از مرز و ورود به خاک عراق، منجر به طراحی عملیات رمضان شد؛ عملیاتی که 22 تیر ماه آغاز شد؛ عراقی‌ها مواضع خود را به شیوه جدیدی آرایش دادند و باعث غافلگیری فرماندهان نظامی ایرانی شد. همین تقویت بنیه پدافندی عراق، باعث شد تا نیروهای ایرانی نتوانند به اهداف طراحی شده برای این عملیات دست پیدا کنند. يك روز قبل از آغاز این عملیات نیز، شورای امنیت سازمان ملل بیانیه 514 را صادر کرد که در آن خواستار عقب‌نشینی دو طرف به مرزهای بین‌المللی شد؛ اما در این قطعنامه حرفی از کمیته تعیین متجاوز به میان نیامده بود و طبق پیش‌بینی‌ها ایران آن را نپذیرفت تا اینکه 84 قطعنامه پس از 514 را بپذیرد؛ یعنی قطعنامه 598، صادر شده در تیر ماه 1366 و پذیرش شده توسط ایران به تاریخ تیر ماه 1367.

□□□□□□ 1402 □□□ □□ 3 □□□□□□ □□□□□□ :□□□م